

منصور اوجی

در چهرہ ہی غروب



پہلی بار شائع ۱۹۸۱ء

شکلا پبلشرز، لاہور

پتہ: پورٹ ٹراک، لاہور

تلفون: ۳۳۱۱، ۳۳۱۲

پتہ: پورٹ ٹراک، لاہور

پتہ: پورٹ ٹراک، لاہور

تلفون: ۳۳۱۱، ۳۳۱۲

۳۳۱۱، ۳۳۱۲

www.darqasid.com

www.darqasid.com

۳۳۱۱، ۳۳۱۲

فهرست

شعر و انار

- درگذشتگان ۱۷
- چیستی شعر ۱۹
- از چاه تا ماه ۲۰
- هر شاعری ۲۲
- شاعران، اما ۲۴
- که شعر آینه است ۲۶
- و شعر تو! ۲۸
- سوره‌های زمینی ۳۰
- در هیچ، هیچ! ۳۱

چه گوارا، آن آب!

- آخر کجایی ری را؟ ۳۵
- لبخند چیست؟ ۳۶

- ۷۶ طرحی از یشم
 ۷۷ نامه
 ۷۸ پرنده
 ۷۹ گل آلاله
 ۸۰ این جا، در این دیار

از ظلمت روح

- ۸۳ خدایی!
 ۸۴ گلبوته‌ی خدا
 ۸۵ دریای خدا
 ۸۶ مار را زخمی نباید کرد
 ۸۷ در درّه‌ی فراغته
 ۸۸ معنای سکوت
 ۸۹ سینه، دریاکن!
 ۹۰ بی هیچ اختیار
 ۹۱ کاش بودی
 ۹۳ درد!!
 ۹۵ آن گاو، این جاست!
 ۹۷ ای کاش می‌شد، دوست!
 ۹۹ زخم زیان
 ۱۰۰ دو قولوها
 ۱۰۲ ختم جهان
 ۱۰۴ آخر الزمان
 ۱۰۶ اما.....
 ۱۰۷ تا کدام یک را
 ۱۰۸ پادافره
 ۱۰۹ از ظلمت روح

- ۳۸ قاچی هندوانه
 ۴۰ چه گوارا، آن آب!
 ۴۱ تو!
 ۴۲ پشت این پنجره‌ی برج بلند
 ۴۴ نسترن گلی ست!
 ۴۶ می‌بینمش به خواب
 ۴۷ تو
 ۴۸ چی باعث آن؟
 ۴۹ ماه
 ۵۰ نقش چهره و شلال گیسوی تو را

زیباتر از شگفت

- ۵۵ تبریک عید
 ۵۶ زیباتر از شگفت
 ۵۸ و تو!
 ۵۹ بر افق
 ۶۰ بر این پرده‌ی رنگ
 ۶۱ تداعی‌ها
 ۶۳ پرچم
 ۶۴ خاک میهن
 ۶۶ خاک مادری
 ۶۸ آخر کجا، کجاست؟
 ۷۰ سوره‌ی برهوت
 ۷۱ ای کاش
 ۷۲ مثل سرنوشت ما
 ۷۳ بر خاک
 ۷۴ من دیدمش

- ۱۴۶ امتحانی کن!
 ۱۴۷ آنکه نامش کبوتر است و مرگ
 ۱۴۸ آن روز بی شروع
 ۱۵۰ تا سرانجام شبی
 ۱۵۱ تا آنکه
 ۱۵۲ خط تیره -
 ۱۵۳ این قصه‌ی آدمی ست!
 ۱۵۴ سوره‌ی گور
 ۱۵۵ آن سوی سکوت
 ۱۵۶ شاید کبوتری

- ۱۱۱ ما را مترسانید
 ۱۱۲ بر پهنه‌ی این سکوت!
 ۱۱۴ نان / نواله / قوت ما
 ۱۱۵ مردگان گر باز می‌گشتند
 ۱۱۷ باز این کلاغ پیر
 ۱۱۸ نام
 ۱۱۹ چرخ‌ریسک‌ها
 ۱۲۰ این خاطره‌ها

آنکه نامش کبوتر است و مرگ

- ۱۲۳ نوستالوژیا
 ۱۲۴ نسل‌ها
 ۱۲۶ صفری کنار هفت
 ۱۲۸ پاییز در میان موی من!
 ۱۲۹ سوره‌ی پیری
 ۱۳۰ یک عمر تمام
 ۱۳۱ من، آن درخت
 ۱۳۲ من خسته‌ام، خراب
 ۱۳۴ برف پیری
 ۱۳۵ کوری
 ۱۳۶ می‌رسی، می‌بینی!
 ۱۳۷ خیره در جهان روبه‌رو
 ۱۳۹ با تو
 ۱۴۰ رهاکن، چل، چلی‌ها را
 ۱۴۲ رنگ سفید
 ۱۴۴ او کیست؟
 ۱۴۵ سوره‌ی مرگ

و فایده‌دارم نکند از خواب
آهسته بر تنگ پامی روند / رفته اند

مثل همین بار
که شعر و آثار

شیراز ۲۱ مهر ۱۳۸۷

از چاه تاماه

مقدمه

آتش نشانان جهان را، نردبامی است
و میوه چینان جهان را
و نیز دزدان جهان و قاتلان را.

تو از کدامینی، کدامی؟
از جمع آنانی که جان بخشند و جان را؟
یا زانکه بر ما قوت جان را؟
یا خود از آنانی که می‌گیرند از ابنای این خاک
اموالشان
یا جانشان را؟

و چاه کن‌های جهان را نردبامی ست

و نیز عشاق جهان گلی تاریک
و شاعران را!... نهی مرداب

۲۷/مهر/۱۳۸۹

ز نهار، ای شاعران
آن لحظه را دریاب
و آن آیه‌های ناب هستی را
و آن بی‌حجاب و پرده راه در درگشایی‌ها
سیراب کن ما را!

مقدمه

ما شعر می‌خوانیم
شعری که از جا برکند ما را!

شاعران و بی‌آلایان
و لایق و املقما
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان

شاعران و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان
و بی‌آلایان و بی‌آلایان